

گزارش «فرهیختگان» از آثار ۲ رویداد تاریخی

به چالش کشیدن لیبرالیسم در مشایه

زهرا طبیبی - علی مزروعی گروه سیاست

اربعین این پدیده عظیم انسانی و معنوی، بیش از یک مناسک مذهبی است. یک بیانیه فلسفی و اجتماعی است که ریشه‌های مدرنیته غربی را به چالش می‌کشد. در جهانی که لیبرالیسم سیاسی بر پایه لذت‌جویی فردی و فردگرایی افراطی بنا شده، اربعین همچون یک موج عظیم، این پایه‌ها را زیر و رو می‌کند. میلیون‌ها انسان از سراسر جهان، در گرمای سوزان عراق، مسیری طولانی را پیاده طی می‌کنند تا به کربلا برسند. اربعین نشان می‌دهد انسان می‌تواند لذتی عمیق‌تر از سرچشمه جوشان رنج جمعی بیابد و فردگرایی را در خدمت جمع قربانی کند. همزمان با این رنج لذت‌بخش وعده‌های لیبرالیسم یک‌به‌یک در آتش غزه می‌سوزد. آزادی زمانی که چند میلیون نفر در غزه محصور شدند سوخت، آزادی زمانی که کودکان غزه زیر آوارگرستگی جان باختند سوخت و آزادی زمانی که انس شریف، خبرنگار الجزیره و دوربینش هدفمند ترور شدند سوخت.

■ ■ ■

■ **لذت‌جویی غربی در برابر لذت اربعینی**

در فلسفه لیبرالیسم، لذت‌جویی یکی از ستون‌های اصلی است. جرمی بنتام، فیلسوف انگلیسی، اصل سوده‌مندی را بر پایه حداکثر لذت برای حداکثر افراد بنا نهاد، اما این لذت مادی و براساس منفعت فردی است، مصرف، رفاه شخصی و اجتناب از رنج. مدرنیته جدید که بر پایه انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری لیبرال شکل گرفت، انسان را به عنوان یک مصرف‌کننده خودمحور تعریف می‌کند اما اربعین این مفهوم را وارونه می‌سازد. لذتی که زائران در اربعین تجربه می‌کنند بر پایه رنج است. پیاده‌روی ۸۰ کیلومتری در گرمای ۵۰ درجه سانتی‌گراد، طی سه روز با پاهایی تاول‌زده و بدن‌هایی خسته از منظر منطق غربی دیوانگی است. چرا کسی باید خود را به چنین رنجی بیندازد؟ لذت اربعینی لذتی جمعی است که از فداکاری بر می‌خیزد، نه از مصرف. زائران در این مسیر، احساس تعالی می‌کنند؛ گویی با تحمل رنج، به چیزی بزرگ‌تر از خود متصل می‌شوند. این تضاد مدرنیته را به چالش می‌کشد زیرا نشان می‌دهد انسان لزوماً به دنبال رفاه مادی نیست. در ادبیات غربی رنج اغلب به عنوان چیزی منفی دیده می‌شود که باید سرکوب یا در مان شود. اما در

اربعین رنج ابزاری برای رشد روحی است. این پدیده، میلیون‌ها نفر را هر سال گرد هم می‌آورد تا اثبات کنند که لذت واقعی می‌تواند از انکار خود و خدمت به دیگران نشئت بگیرد. اربعین یک آزمایشگاه زنده برای نقد لذت‌جویی لیبرال است.

■ **فرهنگ اشتراک در موبک‌ها در تقابل با فردمحوری**

دومین پایه لیبرالیسم، بر استقلال فردی و حقوق شخصی تأکید دارد. آدام اسمیت در «ثروت ملل» اقتصاد را بر پایه منافع شخصی بنا نهاد و این ایده به سیاست لیبرال تسری یافت. هر فرد باید منافع خود را پیگیری کند و جامعه از مجموع این منافع سود می‌برد. اما اربعین این فردگرایی را به سنخه می‌گیرد. در موبک‌های عراقی که ایستگاه‌های خدمت‌رسانی داوطلبانه هستند میزبانان هرچه دارند و ندارند را با زائران شریک می‌شوند. غذا، آب، جای خواب و حتی خدمات درمانی همه‌چیز رایگان و بدون



انتظار پاداش. این اعمال نه تنها فردگرایی را انکار می‌کند بلکه یک مدل اجتماعی جایگزین ارائه می‌دهد. جامعه‌ای مبتنی بر ایثار و همبستگی. از منظر لیبرال، این رفتار غیر منطقی است. چرا کسی باید دارایی خود را بدون سود شخصی تقسیم کند؟ اما اربعین نشان می‌دهد انسان می‌تواند فراتر از منافع فردی عمل کند. در تضاد با سرمایه‌داری لیبرال که نابرابری را توجیه می‌کند، اربعین برابری را در عمل نشان می‌دهد. ثروتمند و فقیر، شیعه و سنی، مسلمان و غیرمسلمان، ایرانی و عراقی، همه در یک سطح خدمت می‌گیرند. میلیون‌ها زائر هر سال این مدل را تجربه و آن را به عنوان یک الگوی جهانی ترویج می‌دهند.

■ **غزه افشاگر تناقضات لیبرالیسم غربی است**

درحالی‌که اربعین محتوای مدرنیته را نقد می‌کند ماجرای غزه حقیقت ظاهری لیبرالیسم را زیر سؤال برده است. غرب طی دو قرن با شعارهایی

محمدرضا قائمی نیک مطرح کرد

استحالهٔ هویت جهان مدرن در اربعین

در جهانی که اصالت را به فردیت می‌دهد و

لذت‌جویی را یک ارزش می‌داند، پدیده‌ای به نام پیاده‌روی اربعین ظهور می‌کند که علاوه بر ریشه مذهبی و اعتقادی که دارد، صحنه‌هایی



را خلق می‌کند که در تقابلی آشکار با این خویش قرار دارد. افرادی که برای کمک به زائران در این تجمعات حاضر می‌شوند و زائرانی که مسیری طولانی را پیاده می‌روند. هیچ یک از این مؤلفه‌ها نسبتی با لیبرالیسم حاکم بر جهان مدرن ندارد و به‌نوعی بازهم اعتقادات و مقدسات مذهبی به نزاعی پنهان با لیبرالیسم حاکم بر می‌خیزند. در گفت‌وگو با محمدرضا قائمی‌نیک، جامعه‌شناس به بررسی اثر این پدیده در جهان مدرن پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

این پدیده قابل مشاهده است که پیاده‌روی اربعین، در جهان مدرن در مقابل خویش‌های لیبرالی و فردگرایانه قد علم می‌کند. این سؤال مطرح است که آیا راه‌پیمایی اربعین به نزاع با لیبرالیسم فردگرایانه جهان مدرن رفته است؟

پیاده‌روی اربعین، وجه و سابقه تاریخی دراز دامنه‌ای در میان عراقی‌ها دارد. از این منظر ظرفیت سستنی در تاریخ اسلام و تشییع محسوب می‌شود که در مواجهه با جهان جدید قرار گرفته است. به این معنا، منطق حاکم بر آن در دوره معاصر، می‌بایست منطق حاکم بر مواجهه با موضوعات، پدیده‌ها و ظرفیت‌های سنت اسلامی شیعی با جهان مدرن باشد. اگر بپذیریم که الگو و منطق مواجهه انقلاب اسلامی با جهان معاصر، اینجا نیز حاکم است و بخواهیم آن را بسط دهیم، می‌توان گفت لزوماً این پدیده در تقابل با نفی جهان مدرن نیست. بلکه همان‌طور که انقلاب اسلامی بیان‌کننده این مسئله است، جهان معاصر و مدرن، در کنار تهدیدها، ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی هم در آن نهفته است. منطق

میثم مهدیار بررسی کرد

اربعین؛ آنتی‌تز سرمایه‌داری مدرن



هویت و ریشه پیاده‌روی اربعین را نمی‌توان از سیاست جدا کرد، چرا که اساساً در متن و بطن واقعه عاشورا چنین خوانشی نهفته است و جدال با ظلم نیز به همین هویت برمی‌گردد. آنچه در این اجماع مذهبی جلب توجه می‌کند، ارتباطی است که راه‌پیمایی اربعین با تحولات مهم روزبرقراری کند. اعلام انزجار نسبت به رژیم صهیونیستی و پوش‌های تصویری از حمله موشکی ایران به اسرائیل، بخشی از این واکنش‌هاست که در مسیر مشابه رخ می‌دهد. در گفت‌وگو با میثم مهدیار، جامعه‌شناس، به بررسی هویت سیاسی اربعین و نسبت آن با اندیشه حاکم بر جهان مدرن پرداختیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

آیا پیاده‌روی اربعین به مثابه یک پدیده با هویت شیعی در جهان معاصر، به نزاع با لیبرالیسم رفته است؟ چه مؤلفه‌هایی این تضاد را برجسته می‌کند؟

اساس اربعین مبتنی بر مودت و دهشگری است. در آن فضا، تعدادی میزبان و تعدادی میهمان هستند. به همین دلیل، منفعت‌گرایی شخصی -که مهم‌ترین مؤلفه لیبرالیسم در دوران جدید است- محلی از اعراب ندارد. برعکس، افرادی که میزبان هستند، در طول سال فعالیت می‌کنند، درآمدی کسب می‌کنند و گاهی بخشی یا حتی تمام درآمد سالانه خود را در فضایی که از عاشورا و دهه اول محرم تا اربعین ادامه دارد، هزینه

می‌گذاریم. یا حضور گسترده مردم در این پدیده و ارتقای سطح زائران اربعین و ماجرای پیاده‌روی و امکان‌هایی که در اقتصاد اربعین جلوه و ظهور می‌کند، امکان تبادل فرهنگی بین کشورهای شرق ایران، مثل افغانستان، پاکستان یا اربعین. این تبادلات فرهنگی و اقتصادات جهان مدرنی که با پیاده‌روی اربعین گره می‌خورد، اگر به شکل خودآگاه یا آن مواجهه شسویم و آن را بفهمیم متوجه می‌شویم که فرصت‌های مواجهه معاصر با پدیده اربعین به ش‌طی که منطق حاکم بر پدیده اربعین دچار انضمحلال در فضای مدرن نشود، برای ما فرصت‌هایی را فراهم می‌کند.

در واقع با یک نسخه از دهکده جهانی در بستر واقعه عاشورا و جهان تشییع مواجهیم.

باید توجه کنیم که پدیده‌های مدرن، در مرز امکان قرار دارند و پدیده‌های امکانی هستند؛ نه ضرورت قطعی شده‌ای در جهانی‌شدن و دولت‌ملت‌ها وجود دارد که نشود آن را اجرا کرد و نه وضعیت امتناع دارند که هیچ نسبتی با دین برقرار نکنند. بسیاری از پدیده‌های مدرن، ۵۰، ۵۰۰ هستند و به تعبیر عامیانه مثل چاقو هستند. انسان می‌تواند از چاقو، به مثابه امکان برای پوست کندن میوه یا آدم‌کشی استفاده کند. بسیاری از پدیده‌های مدرن چنین وضعیتی دارند؛ لذا اگر به جهان مدرن در نسبت با پیاده‌روی اربعین نگاه کنیم و آن‌ها را یک امکان در نظر بگیریم، می‌توانیم ذیل نگاه دینی، جهان مدرن را تغییر هویت و ماهیت دهیم و به تعبیری آن منحل و استحاله در نگاه دینی کرده و در خدمت اهداف دینی قرار دهیم. اگر هم به آن‌ها اشراف نداشته باشیم و به شکل وارداتی از آن استفاده کنیم و تأمل نکنیم و دست به تغییر در امکان‌ها نزنیم آن‌ها می‌توانند پدیده‌های دینی ما را تبدیل به ابزاری برای خوردن کنند چون در وضعیت ۵۰، ۵۰۰ قرار دارد، این احتمال وجود دارد. این دیگر بسته به غنای فهم ما، برای ایفای نقش جدی در وضعیت جهانی دارد.

برخلاف خویش‌های مذهبی از پیاده‌روی اربعین، این پدیده حائز یک هویت سیاسی نیز هست که نمونه‌های آن در این دوره و در حمایت از فلسطین و حمله موشکی به ایران، قابل مشاهده است.

نسبت سیاست با اربعین چگونه است؟

در قلمرو سیاست نیز همان منطق حاکم است. ما معمولاً شعار پیوند دین و سیاست را زیاد دیدیم؛ اما چون آن را دقیق طرح نمی‌کنیم، با چالش مواجه می‌شویم. جدایی سیاست از دین، همیشه به معنای سکولاریسم نیست، گاهی عکس است و اگر فرد متدین از سیاست دوری کند، دچار سکولاریسم شده است. اگر سکولار بودن را با هر دوسویه مسئله نگاه کنیم، پیاده‌روی اربعین، در مرز تحلیل‌های دوسویه قرار دارد. اگر مسئله این باشد که پیاده‌روی اربعین را از هویت خود خالی کنیم و آن را ابزاری برای منفعت خود در ماجرای غزه قرار دهیم، به این معنی که پیساده‌روی اربعین را تبدیل به یک ایدئولوژی سیاسی صرف برای مواردی مثل اتفاقات غزه کنیم و اصل پیاده‌روی و سابقه تاریخی و هویتی به حاشیه رود، اشتباه است. از آن طرف هم بی‌توجهی به محاصره غزه و فلسطین به معنای سکولار شدن اربعین است. باید ظرفیت خاص اربعین را در ماجرای حمله رژیم صهیونیستی و اقداماتش درست بفهمیم. اربعین ظرفیتی دارد، این به این معنا نیست که می‌تواند تمام ماجرای رژیم صهیونیستی را حل کند یا هیچ کاری از دستش برنیاید، باید این ظرفیت را شنجید، فهمید و در جای خودش، بهترین مواجهه را با آن داشت. اگر به ظرفیت‌های اربعین که به‌نوعی سبک زندگی مقاومت است، نگاه کنیم، می‌توان مسئله خانواده، سبک زندگی و اقتصاد و معیشت را در نسبت با آن برجسته کرد و به نظر می‌رسد یکی از ظرفیت‌های غنی برای مواجهه با طرح پیمان‌های ابراهیم شکل می‌گیرد.

که در اربعین با آن مواجهیم، لذتی مبتنی بر غریزه نیست، بلکه با نوعی فراروی از غرایز شخصی و حیوانی همراه است. مثلاً جشنواره رنگ یا جشنواره گوجه‌پرتاب در اسپانیا وجود دارد، اما آدم‌ها برای تخلیه هیجان‌شان در آن شرکت می‌کنند و هیچ دلالت فراتری ندارند. در آنجا یک ارزش انسانی محل توجه قرار نمی‌گیرد؛ یعنی کسانی که به آنجا می‌روند، وقتی از آن مناسک بیرون می‌آیند، انسان‌تر نمی‌شوند، بلکه همچنان درگیر التذاذات شخصی و غریزی هستند و در همین حد کفایت می‌کنند. ولی در مناسک حسینی به‌طور کلی و اربعین به‌طور خاص، یک التذاذ متعالی وجود دارد و افرادی که از این مناسک بیرون می‌آیند، آدم‌های متفاوتی می‌شوند. در سال‌های گذشته دیده‌ایم که این دهشگری چگونه در ایران نیز توسعه پیدا کرده است. این التذاذ مبتنی بر غریزه نیست؛ یعنی آدم‌ها صرفاً غریزه‌شان را اطفاء نمی‌کنند، بلکه فراتر از غرایز خود را در قالب یک هدف و ارزش، چیزی را دنبال می‌کنند. به همین دلیل می‌بینید که در فضایی اربعین، علی‌رغم این همه تنوع و تکثر فرهنگی، کمترین درگیری‌ها پیش می‌آید. آدم‌ها دنبال نفع طلبی شخصی نیستند. در آن حجم جمعیت و فشار، درگیری‌ها حداقل است و این طور نیست که ناگهان جمعیتی حمله کنند یا فشار بیاورند تا چند نفر زیر دست و پا بمانند. این تنوع قومی، زبانی، مذهبی و سیاسی باعث درگیری و تضادی نشده که به افراد آسیب بزند.